خبر

افزایش رقم کالابرگ در دوراهی منابع واقعی یا پولی؟

وعده افزایش اعتبار کالابرگ در ماه‌های اخیر بارها مطرح شده، اما هنوز افزایش مورد انتظار به شکل پایدار و عملیاتی محقق نشده است. در تازه‌ترین اظهارات نیز اجرای افزایش اعتبار به تامین منابع مالی پایدار گره خورده است. این وضعیت یک پرسش مهم‌تر از میزان افزایش کالابرگ را پیش روی سیاستگذار قرار می‌دهد؛ منابع این افزایش قرار است از کجا تامین شود؟

به گزارش ایرنا، افزایش اعتبار کالابرگ در شرایطی که قدرت خرید خانوارها تحت فشار قرار دارد، می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای حمایت معیشتی مورد استفاده قرار گیرد. اما اثربخشی این سیاست تنها به میزان اعتباری که روی کارت خانوار قرار می‌گیرد وابسته نیست؛ بلکه به کیفیت منبع تأمین مالی آن نیز بستگی دارد.

اگر دولت برای افزایش کالابرگ به منابع واقعی و پایدار، مانند درآمدهای تحقق‌یافته بودجه‌ای، تکیه کند، حمایت معیشتی می‌تواند بدون ایجاد فشار مستقیم بر پایه پولی و شبکه بانکی انجام شود. در این حالت، دولت بخشی از منابع موجود را به حمایت از گروه‌های هدف اختصاص می‌دهد و هزینه سیاست در چارچوب منابع مالی واقعی و محقق شده اقتصاد قرار می‌گیرد.

اما اگر افزایش اعتبار کالابرگ بدون پشتوانه مالی واقعی انجام شود، مسئله شکل دیگری پیدا می‌کند. تأمین منابع از مسیر استقراض، افزایش بدهی به شبکه بانکی یا در نهایت خلق پول، می‌تواند اثر حمایتی کالابرگ را تا حدی خنثی کند. افزایش تقاضای اسمی در کنار رشد نقدینگی، در اقتصادی که با فشارهای تورمی مواجه است، می‌تواند به افزایش سطح قیمت‌ها منجر شود.

شکل‌گیری چرخه معیوب تورمی

در چنین شرایطی که بالاتر گفته شد، یک چرخه معیوب شکل می‌گیرد؛ دولت برای جبران کاهش قدرت خرید، اعتبار کالابرگ را افزایش می‌دهد؛ اگر منابع این افزایش پولی باشد، فشار تورمی ایجاد می‌شود؛ تورم قدرت خرید همان کالابرگ را کاهش می‌دهد و در مرحله بعد، برای حفظ قدرت خرید خانوار، افزایش مجدد اعتبار کالابرگ ضروری می‌شود.

بنابراین، مسئله فقط افزایش رقم کالابرگ نیست؛ مسئله این است که قدرت خرید کالابرگ چگونه حفظ شود. افزایش اسمی اعتبار، اگر با افزایش متناسب قیمت‌ها همراه شود، لزوماً به معنای افزایش حمایت واقعی از خانوار نیست.

از این منظر، در صورت تصمیم به افزایش اعتبار کالابرگ باید پیش از اعلام رقم جدید، مسیر تأمین مالی آن را به‌طور شفاف مشخص شود. افزایش کالابرگ زمانی می‌تواند یک سیاست حمایتی پایدار باشد که منابع آن از محل درآمدهای واقعی و قابل تحقق تأمین شود، نه اینکه هزینه آن به شبکه بانکی و در نهایت به پایه پولی و تورم منتقل شود.

افزایشی که تورم بیاورد، دردی دوا نمی‌کند

تجربه ماه‌های اخیر نیز نشان داده است که فاصله میان وعده افزایش اعتبار و تأمین منبع مالی پایدار همچنان یک مسئله جدی است. برخی گزارش‌ها حتی از ارقام مشخصی برای افزایش اعتبار از نیمه دوم سال خبر داده بودند، اما در ادامه، زمان و میزان اجرای افزایش قطعی نشد.

در نهایت، سیاست کالابرگ زمانی می‌تواند به هدف خود برسد که میان «حمایت معیشتی» و «ثبات پولی» تعارض ایجاد نکند. افزایش مبلغ کالابرگ، اگر با چاپ پول و رشد نقدینگی تامین شود، ممکن است امروز قدرت خرید بیشتری به خانوار بدهد اما فردا همان قدرت خرید را از طریق تورم پس می‌گیرد. به همین دلیل، شرط موفقیت افزایش مبلغ کالابرگ نه صرفاً تعیین رقم بالاتر، بلکه تأمین منبعی واقعی، پایدار و غیرتورم‌زا برای آن است.

صندوق ارزی؛ رقیب جدید دلارهای خانگی یا آزمونی برای سیاست‌گذار؟

بازده ۵ درصدی و چالش جذب سرمایه‌گذاران

از نگاه کارشناس بازار سرمایه، نخستین صندوق سرمایه‌گذاری ارزی با بازده برآوردی ۵ در حالی در آستانه پذیره‌نویسی قرار گرفته که تجربه ناموفق حساب‌های ارزی، اعتماد سرمایه‌گذاران حقیقی را تضعیف کرده و این ابزار تازه نیز به‌تنهایی توان مهار نقدینگی یا آرام‌کردن بازارهای موازی را ندارد.

تا زمانی که افزایش پایه پولی، کسری بودجه، ریسک‌های سیاسی و هزینه‌های فزاینده دولت پابرجاست، یک صندوق سرمایه‌گذاری نمی‌تواند به‌تنهایی جریان نقدینگی یا تورم را کنترل کند

نخستین صندوق سرمایه‌گذاری ارزی قرار است فردا چهارشنبه وارد مرحله پذیره‌نویسی شود؛ ابزاری که دارندگان ارز می‌توانند بدون تبدیل منابع خود به ریال، واحدهای آن را خریداری و هنگام خروج نیز ارزش سرمایه خود را به‌صورت ارزی دریافت کنند. منابع جذب‌شده نیز در ابزارها و دارایی‌های مالی ارزی به کار گرفته خواهد شد تا به تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی و پروژه‌های ارزآور اختصاص یابد.

به گزارش اقتصادآنلاین، براساس توضیحات عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، فرآیند راه‌اندازی این صندوق نهایی شده و بانک مرکزی نیز در حال فراهم‌کردن سازوکارهای حمل، تحویل و نگهداری اسکناس برای تسهیل ورود منابع ارزی به صندوق است.

با این حال، حدود تعهد بانک عامل، میزان جذابیت بازده برآوردی پنج درصد، اعتماد سرمایه‌گذاران و اثر این صندوق بر بازارهای موازی، از مهم‌ترین پرسش‌های پیش روی این ابزار تازه به شمار می‌رود.

در این‌باره، جواد فلاحیان، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با اقتصادآنلاین، اهداف راه‌اندازی صندوق‌های ارزی، دامنه ضمانت بانک ملت، جذابیت بازده این صندوق‌ها و آثار احتمالی آن بر بازارهای دلار، طلا، مسکن و خودرو را بررسی می‌کند.

مشروح گفت‌وگوی اقتصادآنلاین با جواد فلاحیان را در ادامه می‌خوانید.

*آقای فلاحیان؛ اصلی‌ترین هدف از راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی چیست؟

این صندوق‌ها می‌توانند چند هدف را به‌طور هم‌زمان دنبال کنند. نخستین هدف، حفظ ارزش دارایی مردم در برابر تورم و کاهش ارزش پول ملی است. کسب بازده ارزی، گسترش و متنوع‌سازی ابزارهای مالی همچنین تجمیع منابع ارزی نیز از دیگر اهداف راه‌اندازی این صندوق‌هاست.

تجمیع ارزهای در اختیار سرمایه‌گذاران در یک صندوق می‌تواند امکان رصد و مدیریت این منابع را برای بانک مرکزی ساده‌تر کند. تجربه صندوق‌های سهامی نیز نشان داد بخشی از سرمایه‌گذارانی که پیش‌تر به‌صورت مستقیم معامله می‌کردند، با توسعه ابزارهای مالی به سمت سرمایه‌گذاری غیرمستقیم حرکت کردند. اکنون سیاست‌گذار تلاش می‌کند از همین ظرفیت برای هدایت منابع ارزی به سمت صندوق‌ها استفاده کند.

ضمانت بانک تا کجا ادامه دارد؟

*بانک ملت به‌عنوان ضامن نقدشوندگی نخستین صندوق ارزی دقیقاً چه تعهدی در برابر سرمایه‌گذاران دارد؟ آیا این تعهد فقط پرداخت به‌موقع ارز هنگام ابطال واحدها را شامل می‌شود یا اصل سرمایه و بازده صندوق را نیز پوشش می‌دهد؟

ساختار نهایی و اساسنامه صندوق هنوز به‌طور کامل منتشر نشده و به همین دلیل نمی‌توان درباره حدود تعهد بانک ملت با قطعیت صحبت کرد. برداشت من از اطلاعات اعلام‌شده این است که بانک در چنین ساختاری باید اصل سرمایه، سازوکار پرداخت بازده و نقدشوندگی واحدها را پوشش دهد؛ با این حال، ضمانت نقدشوندگی به‌معنای تضمین سودآوری صندوق نیست.

نقش ضامن نقدشوندگی این است که سرمایه‌گذار هنگام ابطال واحدهای خود برای دریافت منابع با مشکل مواجه نشود. عملکرد و بازده صندوق نیز به دارایی‌هایی بستگی دارد که منابع ارزی در آنها سرمایه‌گذاری می‌شود؛ بنابراین باید میان تضمین امکان خروج از صندوق و تضمین بازده آن تفاوت قائل شد.

بازده ۳ تا ۴ درصدی مردم را ترغیب می‌کند؟

*با توجه به بازده برآوردی سالانه پنج درصد، این صندوق‌ها تا چه اندازه برای سرمایه‌گذاران حقیقی جذاب خواهند بود؟

تجربه حساب‌های ارزی در سال‌های گذشته باعث شده اعتماد لازم در میان بخشی از جامعه هنوز شکل نگرفته باشد. برخی سپرده‌گذاران هنگام دریافت اصل سرمایه یا سود ارزی خود با مشکل مواجه شدند و همین سابقه می‌تواند بر تصمیم امروز آنها اثر بگذارد. به همین دلیل احتمال می‌دهم در ابتدای فعالیت صندوق، سرمایه‌گذاران حقوقی بیش از اشخاص حقیقی از آن استقبال کنند.

بازده نهایی به ترکیب دارایی‌های صندوق بستگی دارد؛ زیرا منابع ممکن است در سپرده‌های ارزی، اوراق ارزی یا گواهی‌های سپرده ارزی سرمایه‌گذاری شود.

براساس ساختاری که تاکنون معرفی شده، صندوق موردنظر از نوع درآمد ثابت ارزی و مبتنی بر صدور و ابطال واحدهاست. سرمایه‌گذار می‌تواند ارز را به‌صورت اسکناس یا حواله وارد صندوق کند و هنگام ابطال نیز اصل سرمایه و بازده خود را به‌صورت ارزی دریافت کند. البته حتی دریافت بازده ارزی پنج درصدی نیز لزوماً به معنای کسب بازده مثبت از نظر ریالی نیست. اگر قیمت ارز در بازار داخلی کاهش پیدا کند، ممکن است ارزش ریالی سرمایه با وجود دریافت بازده ارزی کمتر شود. در نتیجه، جذابیت صندوق فقط به نرخ سود آن وابسته نیست و میزان اعتماد، نقدشوندگی و جهت حرکت بازار ارز نیز بر تصمیم سرمایه‌گذار اثر می‌گذارد.

انتقال این ابزار به ساختار بازار سرمایه می‌تواند تلاشی برای بازسازی اعتماد آسیب‌دیده به حساب‌های ارزی باشد؛ اما میزان موفقیت آن زمانی مشخص می‌شود که اساسنامه، ترکیب دارایی‌ها و حدود تعهد بانک عامل به‌صورت شفاف منتشر شود.

آیا صندوق ارزی، بازار دلار و طلا را آرام می‌کند؟

*راه‌اندازی صندوق‌های ارزی چه اثری بر بازارهای موازی مانند دلار، طلا، مسکن و خودرو خواهد داشت؟

حجم نقدینگی در اقتصاد به اندازه‌ای افزایش یافته که راه‌اندازی یک صندوق نمی‌تواند منابع موجود در سایر بازارها را به‌طور گسترده جذب کند. بخشی از پول‌های سرگردان همواره به بازاری حرکت می‌کند که در آن مقطع بازده بیشتری داشته باشد؛ یک دوره وارد بازار ارز می‌شود و در مقطعی دیگر به سمت طلا، مسکن، خودرو یا سهام می‌رود.

هنگام راه‌اندازی صندوق‌های طلا نیز تصور می‌شد معاملات فیزیکی کاهش پیدا کند، اما در عمل هم ارزش معاملات صندوق‌های طلا افزایش یافت و هم بازار فیزیکی به فعالیت خود ادامه داد. انتخاب میان صندوق و خرید فیزیکی نیز به میزان ریسک‌پذیری و اولویت‌های هر سرمایه‌گذار بستگی دارد. برخی نقدشوندگی صندوق را ترجیح می‌دهند و برخی نگهداری مستقیم دارایی را مطمئن‌تر می‌دانند.

هدف اصلی این صندوق‌ها حذف یا سرکوب بازارهای دیگر نیست، بلکه قرار است ابزار تازه‌ای در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گیرد. امکان ورود با مبالغ کمتر نسبت به خرید فیزیکی ارز نیز می‌تواند یکی از مزیت‌های این صندوق باشد.

با این حال، تا زمانی که افزایش پایه پولی، کسری بودجه، ریسک‌های سیاسی و هزینه‌های فزاینده دولت پابرجاست، یک صندوق سرمایه‌گذاری نمی‌تواند به‌تنهایی جریان نقدینگی یا تورم را کنترل کند. نمی‌توان شکافی بزرگ در اقتصاد را با چهار بخیه بست.

تلاش واشنگتن برای مدیریت بازار با استفاده از اخبار جعلی

توییت و نفت

با عبور قیمت نفت از مرز ۱۰۰ دلار، تحلیل‌ها نشان می‌دهد آمریکا از انتشار اخبار مربوط به مذاکره با ایران، برای کنترل قیمت‌ها و بازار انرژی استفاده می‌کند.

به گزارش مهر، با عبور قیمت نفت برنت از مرز ۱۰۰ دلار و رسیدن آن به حدود ۱۰۷ دلار، که در پی سخت‌گیری بیشتر تهران بر عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرمز و تحولات یمن رخ داد، بار دیگر موجی از اخبار درباره میانجیگری، تبادل پیام از طریق قطر و پاکستان و نزدیک بودن توافق میان ایران و آمریکا در رسانه‌ها منتشر شده است. در همین حال، دونالد ترامپ که تا پیش از این به‌صراحت از مذاکره با ایران اعلام انصراف می‌کرد، اکنون پالس‌های مذاکره را مخابره می‌کند. این چرخه تکراری نشان می‌دهد که واشنگتن هر بار که قیمت نفت از آستانه تحملش عبور می‌کند، به‌جای اقدام عملی، از «خبر» به عنوان ابزاری برای کنترل بازار و پایین آوردن قیمت نفت استفاده می‌کند.

به دفعات مکرر، هر بار که قیمت نفت به محدوده‌های حساس، به‌ویژه مرز ۱۰۰ دلار، نزدیک می‌شود، خبرهایی درباره مذاکره، فرستادن میانجی و نزدیک بودن توافق با ایران منتشر می‌شود. واقعیت این است که نفت بالای ۱۰۰ دلار فشار سنگینی بر اقتصاد آمریکا وارد می‌کند؛ به‌طوری که نرخ گازوئیل در آمریکا به رکورد تاریخی ۶.۲ دلار در هر گالن رسیده است. رویترز پیش‌تر در گزارشی هشدار داده بود که این افزایش قیمت، بودجه سرویس‌های حمل‌ونقل مدارس را تحت فشار شدید قرار داده است و کارشناسان نیز معتقدند تداوم آن می‌تواند هزینه حمل کالا در سراسر زنجیره تأمین را افزایش دهد. در چنین شرایطی، کاخ سفید به‌جای اقدام جدی در میدان، دست به «خبردرمانی» می‌زند؛ یعنی با انتشار اخبار مثبت و گاهی کذب از نزدیکی توافق با ایران، تلاش می‌کند بازار را فریب داده و قیمت نفت را بدون هیچ اقدام عملی پایین بیاورد.

اظهارات جان بولتون درباره دستکاری بازار

اظهارات جان بولتون، مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا، در این زمینه بسیار قابل تأمل است. بولتون که از نزدیکان حلقه ترامپ محسوب می‌شود، به‌صراحت گفته است: «من فکر می‌کنم [رفتار او] یک‌جور دستکاری بازار است تا نشان دهد همه‌چیز خوب است.» او تأکید کرد: «او می‌گوید هر لحظه ممکن است توافق شود و محاصره عالی عمل می‌کند. هدف اصلی‌اش این است که قیمت نفت پایین بیاید». بولتون در جای دیگری نیز اشاره کرد: «اگر چیزی وجود دارد که ترامپ نسبت به آن وسواس دارد، آن بازارها و قیمت بنزین است». این اظهارات از سوی یک مقام ارشد سابق که از نزدیک با تیم ترامپ در ارتباط بوده، ادعای «خبردرمانی» را از یک فرضیه به یک واقعیت مستند تبدیل می‌کند.

نکته مهم برای جمهوری اسلامی همین‌جاست؛ مسئولان کشور نباید به هر خبر درباره میانجیگری، مذاکره یا نزدیک بودن توافق، بیش از اندازه وزن سیاسی و رسانه‌ای بدهند؛ زیرا ممکن است ناخواسته به همان اثری کمک کنند که طرف مقابل به دنبال آن است. حتی اگر مذاکره‌ای در جریان باشد، ضریب دادن به آن و ایجاد موج رسانه‌ای، تنها به نفع طرف آمریکایی تمام می‌شود. در مقابل، اگر اخبار منتشرشده از سوی طرف مقابل نادرست باشد، لازم است بلافاصله و بدون تأخیر تکذیب شود تا بازار فرصت واکنش کاذب پیدا نکند.

فرسایش تاکتیک: «دیگر کسی باور نمی‌کند»

این تاکتیک اما یک مشکل اساسی دارد؛ در کوتاه‌مدت ممکن است جواب بدهد و قیمت‌ها را پایین بیاورد، اما به مرور فعالان بازار یاد می‌گیرند که به اخبار تکراری با احتیاط بیشتری نگاه کنند. قالیباف در واکنش به این تاکتیک گفته است که آمریکا برای کاهش قیمت نفت «اخبار جعلی زیادی» منتشر کرده و بازار دیگر به این اخبار بی‌اعتماد شده است. به بیان دیگر، واشنگتن ممکن است با تکرار بیش از حد این تاکتیک، کارت‌های خود را زود بازی کرده باشد.

هر بار که قیمت نفت به مرز ۱۰۰ دلار نزدیک می‌شود یا آن را رد می‌کند، فشار بر اقتصاد آمریکا اوج می‌گیرد و ترامپ بلافاصله با توییت زدن و انتشار اخبار — که اکثراً جعلی هستند — درباره مذاکرات وارد میدان می‌شود. در چنین شرایطی، مسئولان جمهوری اسلامی باید هوشیار باشند: حتی اگر مذاکره‌ای در جریان باشد، ضریب دادن به آن و راه انداختن موج رسانه‌ای، تنها به نفع دشمن تمام می‌شود. همچنین اگر اخبار منتشرشده از سوی طرف مقابل نادرست باشد، باید بی‌درنگ و بدون تعارف تکذیب شود تا بازار فرصت واکنش کاذب پیدا نکند.

سفر مقام‌های قطری و پاکستانی می‌تواند بخشی از یک تلاش واقعی برای کاهش تنش باشد، اما میان یک دیدار، یک رایزنی و یک توافق واقعی فاصله زیادی وجود دارد. تهران باید میان «خبر» و «واقعیت» تفاوت بگذارد و اجازه ندهد تصمیمات سیاسی و اقتصادی کشور تحت تأثیر موج‌هایی قرار بگیرد که ممکن است بیش از آنکه حاصل یک تحول واقعی در میدان باشند، برای اثرگذاری بر انتظارات بازار ایجاد شده باشند. مسئولان ایرانی لازم است دقت بیشتری در زمان‌بندی جلسات، تبادل پیام و اعلام نتایج آن داشته باشند، زیرا این هم بخشی از جنگ است.

اخبار

شرکت برق منطقه‌ای گیلان موفق به کسب عنوان شایسته تقدیر شد

شرکت برق منطقه‌ای گیلان با دریافت لوح سپاسی از سوی محمد اله‌داد رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت توانیر در بخش اصلاح و بهینه‌سازی شبکه انتقال و فوق‌توزیع موفق به کسب عنوان شایسته تقدیر در میان شرکت‌های برق منطقه‌ای گردید.

محمد اله‌داد ضمن قدردانی از اقدامات و عملکرد شرکت برق منطقه‌ای گیلان در زمینه اصلاح، بهینه‌سازی، نوسازی و رفع فرسودگی شبکه انتقال و فوق‌توزیع تصریح کرد: این دستاورد ارزنده حاصل مساعی، همت و تلاش شبانه‌روزی مجموعه شرکت برق منطقه‌ای گیلان در راستای تأمین برق مطمئن و پایدار مشترکان می‌باشد.

مدیرعامل شرکت توانیر با تاکید بر تداوم این رویکرد، خاطرنشان کرد: نگهداشت تجهیزات از مهم‌ترین الزامات پایداری شبکه است و اصلاح و نگهداری تأسیسات در واقع صیانت و نگهداری از سرمایه‌های صنعت برق به شمار می‌رود.

اله‌داد رصد و پایش مستمر شبکه انتقال و فوق‌توزیع را بسیار ضروری و مهم عنوان کرد و افزود: انتظار می‌رود با برنامه‌ریزی و جدیت بیشتری پروسه و مسیر ارزشمند اصلاح و بهینه سازی شبکه برق که نقش مهم و خطیری در تأمین برق مطمئن و استمرار خدمت‌رسانی به مردم دارد، دنبال شود.

راه اندازی سامانه «پرس‌لاین» در شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه

منوچهر تیموری، معاون منابع انسانی شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه، از راه‌اندازی و فراهم شدن دسترسی اختصاصی کارکنان شرکت به سامانه «پرس‌لاین» برای ثبت و ارسال ایده‌ها و پیشنهادهای نو خبر داد.

به گفته وی، این اقدام با هدف توسعه و تسهیل نظام پیشنهادات، تسریع فرآیند ثبت و بررسی پیشنهادها و افزایش مشارکت کارکنان در مسیر بهبود فعالیت‌های شرکت انجام شده است.

این سامانه امکان ثبت پیشنهاد در حوزه‌هایی همچون ارتقای بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها، بهبود فرآیندها، افزایش کیفیت خدمات، کاهش تلفات، ارتقای ایمنی و افزایش رضایتمندی مشترکین را فراهم می‌کند.

مهم‌ترین مزایای سامانه «پرس‌لاین» ؛ دسترسی آسان و شبانه‌روزی،ثبت پیشنهاد بدون محدودیت زمانی و مکانی و بدون نیاز به مراجعه حضوری.امکان ارسال تصاویر، مستندات و فایل‌های مرتبط، تسهیل فرآیند بررسی و پیگیری پیشنهادها،شناسایی و حمایت از ایده‌های خلاقانه و کاربردی،افزایش مشارکت کارکنان در بهبود و توسعه فعالیت‌های شرکت

بهره‌مندی پیشنهادهای پذیرفته‌شده و مؤثر از پاداش‌های پیش‌بینی‌شده، مطابق ضوابط نظام پیشنهادات است.

معاون منابع انسانی شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه ؛ همچنین از راه‌اندازی قریب‌الوقوع سامانه ثبت دانش و تجارب کارکنان به‌صورت آنلاین و سیستمی خبر داد و گفت: این بستر نیز با هدف تسهیل دسترسی کارکنان و ثبت و اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات همکاران، به‌صورت شبانه‌روزی در اختیار کارکنان شرکت قرار خواهد گرفت.

روایتی از شوک‌های خارجی تا کسری بودجه

تورم ایران از کجا آب می‌خورد؟

تورم در اقتصاد ایران تنها حاصل یک عامل نیست؛ از فشار تحریم و شوک‌های ارزی گرفته تا کسری بودجه، سیاست‌های پولی و مالی و شکل گیری انتظارات تورمی، مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این میان، روایت بانک مرکزی بیشتر بر مدیریت شوک‌های بیرونی و مهار رشد نقدینگی متمرکز است، در حالی که برخی کارشناسان اقتصادی، ریشه مسئله را بیشتر در ساختار بودجه و شیوه تامین مالی دولت‌ها جست‌وجو می‌کنند.

به گزارش ایسنا، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که تورم در اقتصاد ایران پدیده‌ای نیست که بتوان آن را صرفا به افزایش قیمت یک کالا، رشد نرخ ارز یا حتی افزایش نقدینگی نسبت داد. آنچه طی سال‌های گذشته به افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها منجر شده، حاصل مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی است؛ عواملی که برخی از آنها به ساختار اقتصاد بازمی‌گردند و برخی دیگر در نتیجه تحریم‌ها، تنش‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های ارزی تشدید می‌شوند.

عبدالناصر همتی - رئیس‌کل بانک مرکزی - در تشریح این وضعیت، بخش مهمی از نوسانات اقتصادی را ناشی از فشارهای خارجی، تحریم‌ها و ریسک‌های ژئوپلیتیکی می‌داند؛ عواملی که از نگاه او با تنگناهای تراز پرداخت‌ها و ریسک‌های بودجه‌ای در داخل کشور تلاقی پیدا می‌کنند. در این روایت، اقتصاد ایران ابتدا با یک شوک خارجی مواجه می‌شود و سپس این شوک از مسیرهایی مانند نرخ ارز، هزینه واردات و انتظارات تورمی به اقتصاد داخلی منتقل می‌شود.

اما مسئله به همین‌جا ختم نمی‌شود. کارشناسان می‌گویند حتی اگر منشأ اولیه یک شوک خارجی باشد، نحوه واکنش اقتصاد داخلی تعیین می‌کند که اثر آن کوتاه مدت باقی بماند یا به تورمی پایدار تبدیل شود. به همین دلیل همتی بر این نکته تأکید دارد که بانک مرکزی نمی‌تواند در برابر انتقال شوک‌های خارجی به اقتصاد منفعل باشد. از این منظر، انضباط پولی نخستین خط دفاعی در برابر تورم است؛ یعنی کنترل موتورهای تورم زا، محدود کردن رشد ترازنامه بانک‌ها و جلوگیری از تبدیل کسری بودجه دولت به پول جدید. این بخش از روایت بانک مرکزی به یکی از مهم‌ترین حلقه‌های زنجیره تورم در ایران اشاره دارد؛ رابطه میان کسری بودجه، نظام بانکی و خلق پول. زمانی که دولت با شکاف میان درآمدها و هزینه‌های خود مواجه می‌شود، نحوه تامین این کسری اهمیت زیادی پیدا می‌کند

با این حال، حسین راغفر از اقتصاددانان نهادگرا، نقطه شروع تحلیل خود را کمی متفاوت از رئیس‌کل بانک مرکزی قرار می‌دهد. در نگاه او، ریشه اصلی تورم ایران را باید در کسری بودجه دولت‌ها جست‌وجو کرد؛ مشکلی که طی دهه‌های گذشته با افزایش نرخ ارز و قیمت حامل‌های انرژی نیز پیوند خورده است. از دیدگاه راغفر، تضعیف پول ملی در دوره‌های مختلف به یکی از ابزارهای جبران کسری‌های دولت تبدیل شده و همین تکرار، یک پیام مهم به فعالان اقتصادی و مردم داده است؛ اینکه احتمال تداوم افزایش قیمت‌ها بالاست. در چنین شرایطی، انتظارات تورمی دیگر صرفا یک واکنش روانی به گرانی نیست، بلکه خود به عاملی برای تشدید تورم تبدیل می‌شود. مردمی که انتظار افزایش نرخ ارز، قیمت کالاها و هزینه‌های تولید را دارند، رفتار اقتصادی خود را بر اساس همین انتظار تنظیم می‌کنند. تقاضا برای دارایی‌هایی مانند ارز و طلا افزایش می‌یابد، تولیدکننده قیمت آینده نهاده‌ها را در قیمت امروز لحاظ می‌کند و مصرف کننده نیز ممکن است خرید خود را جلو بیندازد. در نتیجه، انتظاری که در ابتدا محصول تورم بوده، به عاملی برای بازتولید آن تبدیل می‌شود.

راغفر معتقد است نمی‌توان نقش ساختارهای داخلی، به ویژه کسری بودجه و شیوه‌های تامین مالی دولت را به حاشیه برد؛ زیرا تکرار این سیاست‌ها خود به شکل‌گیری انتظارات تورمی در جامعه منجر شده است. در واقع، این دو نگاه همتی و راغفر لزوما یکدیگر را نفی نمی‌کنند. تحریم و شوک خارجی می‌تواند جرقه افزایش نرخ ارز و قیمت‌ها باشد، اما اینکه این جرقه به آتش تورم پایدار تبدیل شود، تا حد زیادی به وضعیت مالی دولت، سیاست پولی، نظام بانکی و اعتماد مردم به سیاستگذ ار بستگی دارد. از همین منظر، مهار تورم صرفا با کنترل یک متغیر امکان‌پذیر نیست. بانک مرکزی می‌تواند رشد ترازنامه بانک‌ها را محدود کند و از پولی شدن کسری بودجه جلوگیری کند، اما همان طور که همتی نیز اشاره کرده، سیاست پولی به تنهایی قادر به لنگرسازی انتظارات نیست. سیاست مالی دولت، سیاست تجاری، قیمت‌گذاری‌های دستوری و تصمیمات ساختاری نیز مستقیماً بر تورم و نرخ ارز اثر می‌گذارند. اما راهکار دیگر، اصلاح شیوه تامین مالی اقتصاد است؛ موضوعی که راغفر بر آن تأکید دارد. او با اشاره به تجربه کشورهایی مانند ژاپن، کره و چین، استفاده از سازوکارهای هدایت اعتبار به سمت سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مولد را مطرح می‌کند. در چنین مدلی، منابع مالی به جای آنکه عمدتا به فعالیت‌های غیرمولد و سفته بازانه وارد شوند، به سمت تولید و سرمایه‌گذاری هدایت می‌شوند.

تأمین مالی خرد و جمعی نیز از دیگر ظرفیت‌هایی است که از نگاه این اقتصاددان می‌تواند بخشی از منابع مردم را به فعالیت‌های مولد منتقل کند؛ البته به شرط آنکه سازوکارهای نظارتی و تضمین امنیت سرمایه گذاری وجود داشته باشد.

از این منظر تحریم و ریسک‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند شوک ایجاد کنند، اما ضعف‌های ساختاری داخلی تعیین می‌کنند که این شوک با چه شدتی به زندگی مردم منتقل شود و چه مدت باقی بماند. اگر قرار باشد انتظارات تورمی نیز مهار شود، سیاستگذار باید بتواند به جامعه نشان دهد که کسری بودجه، خلق پول، جهش‌های ارزی و تصمیمات اقتصادی بی‌ثبات کننده قرار نیست هر سال در قالبی تازه تکرار شوند.